



اساس سوسیالیسم انسان است.
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.
منصور حکمت

شماره ۲۴۲
۲۳ دی ۱۳۸۳
۱۲ ژانویه ۲۰۰۵

ایسکرا

www.wpiran.org

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

پایان موفقیت آمیز اعتصاب کارگران نساجی کردستان

صفحه ۴

پیام محمد آسنگران به کارگران نساجی در سنندج

صفحه ۴

امام جمعه سنندج: "بدحجابی و بی حجاب خطر بزرگی است که متأسفانه این آسیب در کردستان فراگیر شده است."



نسرین رضانعلی

در کردستان چیز تازه ای نبوده و نیست. امام جمعه و کل رژیم و دم و دستگاه سرکوبگر رژیم در طول بیش از دو دهه اعمال سرکوب، ترور، زندان، اعدام و طراحی ارتجاعی ترین و ضد انسانی ترین سیاستهای ضدمردمی در کردستان توانسته اند جامعه کردستان را اسلامیزه نمایند. تمامی تلاش های سیاسی و نظامی رژیم برای پیشبرد سیاستهای رژیم در کردستان در اثر مقاومت و

کردستان فراگیر شده است. مجتهدی از مقامات رژیم خواست تا با این "پدیده شوم" مقابله نمایند چرا که به گفته وی "اگر این ناهنجاریها ریشه یابی نشود، عواقب آن در آینده همه را خواهد گرفت". وی در اعتراض به عدم رعایت حجاب اسلامی و پوشش برخی دختران و زنان استان متناسب با فرهنگ دینی و اسلامی نیست". شکوه و گلایه های آمیخته به تهدید این مقام رژیم بر علیه زنان و دختران

هفته گذشته امام جمعه رژیم در سنندج حسام الدین مجتهدی طی سخنانی از "عدم رعایت حجاب اسلامی و بدحجابی" توسط زنان و دختران در این شهر زبان به شکوه و گلایه گشود. جناب مجتهدی زیر پا گذاشتن "شئون اسلامی و اخلاقی" توسط زنان و دختران در سنندج، مشکل بدحجابی و بی حجابی را خطر بزرگی برای جامعه و اسلام ارزیابی نموده که از نظر ایشان یک "آسیب اجتماعی" بوده و در

دستمال آتشی که در يك چشم برهم زدن به کبوتر تبدیل میشود و آدمهایی که بدون بال و پر، از کبوتر "تر و فرزتر" پرواز میکنند، سر از بدن همدیگر جدا میکنند، همدیگر را با شمشیر میزنند و چند ثانیه بعد "سر و مور و گنده!" به حضار هیجان زده تعظیم می کنند. این دنیای زیر چادر سیرک عجیب است دیدنی است و از همه بیشتر سرگرم کننده و مضحك است. اگر دنیای

علت تفریحی بودن سیرکها این است که در آنجا توانایی های دنیای طبیعی وارونه جلوه داده میشود. برای مثال انسانها که قدرت و نرمش جسمی میمونها را ندارند کارهای میمونها را تقلید میکنند و در مقابل میمونها کت و شلوار پوشیده و موز در دست "جدول ضرب" حل می کنند و ادای آلبرت انشتین را در می آورند. در این دنیا و در ساعاتی که در سیرک گذرانده اید همه ناممکن ها ممکن میشوند،

صفحه ۲

حمایت سازمانهای کارگری از کارگران نساجی

صفحه ۵

سقوط و غرق شدن در نفرت یک انتخاب است شبه صلواتی

صفحه ۴

منشعین و عرق ملی منصور فرزاد

صفحه ۳

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

سردبیر ایسکرا منصور فرزاد

Tel: 0046 737 706 454
E.mail:
mansoorfarzad@yahoo.se

دبیر
کمیته کردستان
محمد آسنگران
tel: 0049 1633458007
E.mail:
asangaran@aol.com

تولیزبون
کانال جدید
تا ۱۰ شب

Satellite: Telstar12

Center Frequency:
12608MHz

Symbol Rate:19279

FEC:2/3

Polarization:Horizontal

رادیو انترناسیونال
۹ هر شب

رادیوی قوی با پوشش
سراسری در ایران

صدای آزادی، صدای حقیقت
صدای کارگر، صدای انسانیت
به همه طول موج
رادیو را معرفی کنید

۴۱ متر برابر
با ۷۴۹۰ کیلو هرتز

ایسکرا
چهارشنبه ها منتشر
میشود

اجتماعی ما بقول مارکس دنیای وارونه است، دنیایی است که در آن تولید کنندگان اصلی جامعه مسکین ترین انسانها و شیادان و تن پرورها و بیکارها ما مالامال از سعادت هستند، دنیای سیرک سعی میکند که دنیای وارونه توانایی های طبیعی انسانی و حیوانی را بنمایش بگذارد.

اما "تردست" ترین شیادان سیرکها هنوز زمینی ترین موجودات هستند، منافع مادی و کسب سود آنها را به زیر چادرهای سیرک کشانده است. همان حقیقتی که در دنیای خارج از چادر سیرک انسانها بخاطر آن می کشند، کینه میورزند، دروغ میگویند و همدگر را پاره میکنند. وجه اشتراک دنیای سیرک با دنیای واقعی همین است، منفعت! سود! دروغ!

ورق زدن نشریات جریان راست منشعب از حزب بدون شباهت به سیروسلوک در زیر چادر سیرکها نیست. در اینجا همه چیز وارونه است. اما در این دنیای وارونه ای که عرضه میشود، از لابلای تردستی ها و شعبده گردانی ها منافع و واقعیات سرسخت، تلخ اما واقعی جلوه گر میشوند. دلایل وقوع هر مضحکه ای را نمیتوان با خندیدن به خود مضحکه توضیح داد.

"پاسخ" شماره ۱۵ که از قرار سردبیر و نویسندگان بی مقدارش هیچ شغل و هیچ دلنگرانی و مشغله ای بجز سیاه را سفید و سفید را سیاه عرضه کردن ندارند و هیچ احساسی جز نفرت و هیستری علیه کمونیسم کارگری، شعور و درایت و وجدانشان را هدایت نمی کند، بی شباهت به این مضحکه سیرکها نیست.

در صحنه گردانی های این حضرات احتمال اتفاق افتادن همه چیز حتی در گذشته هست. جلال محمود زاده "پله" فوتبالیست همیشه آماده در صحنه میشود (!!!). ایرج فرزاد قهرمان جنگ حزب دمکرات علیه کومه له میشود و خواننده ناباورانه سر انگشتی باید حساب کند که ایشان چند بار با شعار "زنده باد سوسیالیسم!" بوسه بر پیشانی مرگ زده است! در این شعبده گردانی رحمان حسین زاده

عضو کانون کمونیسم کارگری میشود و کورش مدرسی بدون هیچ غیبت کبری یا صغریایی (!!!) همیشه در صحنه و البته در کنار منصور حکمت معمار و سازنده حزب کمونیسم کارگری میشود. در این دنیای وارونه، کج و معوج و بی قواره همه منشعبین جزو حواریون منصور حکمت می شوند، انگار کمونیسم کارگری از روی داستان زندگی اینها نسخه برداری شده است و امروز آنها احساس حق ناشناسی میکنند و با چراغ موشی کارنامه مخالفینشان را ورق میزنند. منصور حکمت و آرا و نظراتش به نامی مذهب گونه، برای ارائه هر بنجلی بنام او تبدیل میشود. میگویند حکمتیست هستند و کلمه به کلمه حرفهای منصور حکمت را فوت آیند، اما هرچه که فریاد مذهب گونه شان و ارائه تصویر وارونه از حکمت و آرا و نظراتش را بلندتر جار میزنند، ناتوانی و لکنت زبان در ارائه نظرات واقعیشان بیشتر میشود. شیفتگان عارف گونه حکمت حتی به ارزیابی های حکمت از خودشان و از مخالفینشان کمترین توجهی نمی کنند، و ایکاش هنوز اندک مایه ای از حقیقت جویی در اینها بجا مانده بود تا باور کنند که حمید تقوایی حتی یکبار سخنان منصور حکمت در مورد خودش را که در جلسات علنی بیان شده را دستمایه و سرمایه حقانیت سیاسی امروزش نکرده است. سخنانی که هنوز خوشبختانه اسپر تیغ سانسور اینها نشده است. آیا یک میلیمتر آنسوی هیستری یکبار از خودشان سوال میکنند که چرا؟

تمام سرمایه اینها که بودم! چه گذشته بر حال و آینده شان حکومت میکند. بر مبنای نوستالژی میتوان شعر سرود، برای نوه ها در شب چله زمستان در پای کرسی قصه و داستان گفت، میشود کارهای زیادی کرد اما خط سیاسی برای یک حزب سیاسی جدی نمی توان تعیین کرد.

برای من و هر وجدان منصف دیگری گذشته این دوستان گرامی، قابل ارج است حتی اگر یکبار فشنگی در نکرده باشند و حتی اگر یکبار هم سینه به سینه مرگ نشده باشند، همانطور که گذشته مبارزاتی تمام انسانهایی که امروز با من هنوز در صفوف حزب

کمونیست کارگری ایران به مبارزه ادامه میدهند، گرامی است. دوستان عزیز داشتن گذشته درخشان نه برای ما و نه برای شما هیچ دلیلی بر صحت نظراتمان نیست. تاریخ حماسی و مبارزاتی تک تک ما اگر به گرز و باتون و دهان بند برای انسانهای دیگر تبدیل شود، قدم در راهی گذاشته اید که پیش از شما علی وتمیش و عمر ایلخانی زاده و عبدالله مهتدی گذاشتند.

در پاسخ شماره ۱۵ این نقل قول از حمید تقوایی چاپ شده است:

تو کنگره چهار، تو آن بار شب هلپرکی میکردند. رقص کردی میکردند. جوانها نمی دانند هلپرکی یعنی چی. رفقای ما رقص کردی میکردند. در آن جمع دختر جوانی بود که جوکش دست انداختن این رقص بود. با خودم فکر میکردم آیا جوان سنندجی مثل این دختره است یا مثل کسی که هلپرکی می رقصه؟ آیا نمی خنده تو همان سنندجش به کسی که هلپرکی میکند؟ نسل ما، چپ سنندجی دوره من، عاشق پیشمرگه بود که به کوه زده بود و یک روز برمیگردد. و آن پیشمرگه جامانه داره کواپانتول داره، تفنگ رو دوششه. رقص کردی میکنه. جوان امروزی کوه نمی داند یعنی چی. اینترتیه؛ فاصله خود را با دنیا رو نمیداند یعنی چی؟ با یک پسری از سنندج صحبت کردم گفتم "سنندج جوش چطور است؟" گفت "اگر بخوای دختر بازی بکنید بایستی تهرونی حرف بزنی و شلوار جین پوشی" (شلیک خنده و کف زدن حضار)..... من چند شب پیش رفته تو یک جلسه پالتاکی با رفقای کردستان صحبت میکردم سر این انشعاب و غیره از لهجه هیچکدامشان نفهمیدم که کردند. فارسی حرف میزنند. من کردی بلد نیستم. ولی لهجه نداشتند! خیال میکردی با یک تهرونی صحبت میکنید. رفقای قدیمی خودمان وقتی صحبت میکنید معلومه کاملاً که کردهستند. آنها اصلاً این طور نبود. به همین قیاس جوان چپ تهرانی خودشو تو پاریس حس میکنه. من فکر میکنم که جوان سنندجی مریم نمازی توی کانال جدید بیشتر دوست داره. تا آن رفیقی که میرود آنجا راجع به خاطرات ۲۰ سال پیشش صحبت میکند.

زیر بعضی از عبارتها خط تاکید کشیده ام تا همراه خوانندگان عبارت ناسیونالیستی و خصلت فاشیستی "همین قیاس" های آقای تقوایی را مورد مطالعه قرار دهم.

بله نویسنده "تیز هوش" زیر بعضی از عبارتها خط کشیده است تا خصلت فاشیستی این نوشته را مورد "مطالعه" قرار دهد. همین کلمات و یا عبارات که زیر خط کشیده شده علت وجودی پاسخ شماره ۱۵ است، علت چرایی قلم فرسایی ایرج فرزاد است و یکی از همکارانش.

اگر مشکل آنها عدم درک معنی این پاراگراف بود، حتماً بعنوان یک کرد آن را به کردی سنندجی یا سنقری و یا بوکانی ترجمه میکردم تا حضرات معنی آن را بفهمند. اما من فکر نمی کنم مشکل این دوستان ما فهمیدن معنی این نقل قول است، اتفاقاً معنی آن را خوب فهمیده اند، دلشوره و نگرانشان هم همین است، این است که حمید تقوایی گفته که برای جوان سنندجی امروز نسبت به سال ۱۳۶۰ ارزشها تغییر کرده است. میگوید "نسل ما، چپ سنندجی دوره من، عاشق پیشمرگه بود که به کوه زده بود و یک روز برمیگردد. و آن پیشمرگه جامانه داره کواپانتول داره، تفنگ رو دوششه. رقص کردی میکنه."

اما از تمام این جمله فقط کلمات سنندجی و رقص کردی آن مورد توجه متقدین حمید تقوایی قرار گرفته، نه مسئله رشد و بالندگی نسلی از جوانان که غرب زده هستند و درست مثل فرزندان خود این حضرات رقص کردی را به سخره میگیرند و مسخره تر اینکه به کلمه تهرونی این همه حساسیت نشان میدهند. اما حساسیتی به این جمله نشان نمیدهند: "به همین قیاس جوان چپ تهرانی خودشو تو پاریس حس میکنه"

لابد وظیفه نقد این بخش را به هخا و سلطنت طلبان و دیگر ناسیونالیست های "تهرونی" واگذار کرده اند و اصولاً موضوع مورد علاقه اینها نیست. جهنم که جوان تهرونی پاریزین (جهت اطلاع



منصور فرزاد

منشعبین و عرق ملی

نوشته های چند ماهه اخیر منشعبین، شیوه بحثهایشان و عکس العمل نشان دادن به برخی از مسائل حاکی از وجود عرق ملی و دامن زدن به آن با ظاهری چپ است. منشعبین تفسیر و تعبیر وارونه ای از بحث "حزب و قدرت سیاسی" و "نقش شخصیتها" داشته اند که همچنان بعنوان رگه فکری قوی که دیگر جزاوصول سازمانی آنها شده، در حزبشان جریان دارد. نقش شخصیتها برای انشعاب یون مترادف است با جا خوش کردن و لم دادن در موقعیتهای تشکیلاتی و شکل دادن به یک تشکیلات براساس "سابقه". نتایج تبعی چنین طرز تفکری امتیاز طلبی، اعضای تشکیلات و جامعه را به خواص و عوام تقسیم کردن، محلیسم و سرکوب عقاید است. کورش مدرسی ادعا میکند که قدرت سیاسی داستان زندگی آنهاست. ایرج فرزاد در هر نوشته اش گذشته ها را حفاری و درجه سابقه را به دو سه نفر اعطا میکند. بزعم اینها سابقه بر سیاست و

گذشته برآینده تقدم دارد. از افراد مفتخر به درجات عالییه تصویری داده میشود که انگار اینان جواب هر مسئله پیچیده ای را در جیب دارند و نیازی به فراگیری و ادامه سنتهای کموناردها، بلشویکها، سنت انسانی و انقلابی منصور حکمت و انقلابیون رادیکال دنیا احساس نمیکند زیرا که شرکت در مبارزه ده ساله در کوههای کردستان وزندگی چادری آنها را آبدیده کرده و اشاره بهمین کافی است که خیال همه را از صحت اندیشه هایشان راحت کند. کسی (بویژه عوام) محق نیست که کوچکترین شکی در حقانیت سیاست و فعالیت آنها بکند. این جمع گویا زره آهنین سابقه بر تن دارند و هیچ کس را یارای مقابله با آنها نیست.

عقبگرد آنها به گذشته و تکیه بر تجربه فعالیت در کردستان هر روز بیشتر در فکر و عمل انشعابیون خود را نشان میدهد. عمدتا از دریچه تجربه در کردستان و بویژه کیش پیشمرگ، مبارزات مردم در سراسر ایران و افراد را بررسی میکنند. سیاستی که در کیش پیشمرگایه تی حاکم است بر سیکل جنگ- مذاکره - جنگ اتخاذ میشود که در آن مبارزه واقعی را پیشمرگ به پیش میرسد و قهرمان اصلی داستان است و چرا که نه. از زاویه جنگجوی این سنت، اوست که دلیرانه در صف مقدم میرزمند واز همان روز اول حاضر شده جانان را بدهد. به مبارزه کارگران و سایر افسارهر چند اهمیت داده شود اما در تصویر قهرمان مبارزه ای فرعی

محسوب میگردد. بنابراین پیشمرگ بخود حق میدهد که مورد لطف و مرحمت مردم قرار بگیرد و به آنها فخر بفرشد.

این دیدگاه در میان منشعبین مقبولیت پیدا کرد و یکی از اجزای سیاست راستی شد که کورش مدرسی در پیش گرفته بود. برجسته شدن "سابقه" از طرف کورش دقیقا رجعت به گذشته های دور بود. هر چند منشعبین ده ساله اخیر را نیز به سابقه ها میافزایند اما در لابلای نوشته ها و بویژه نوشته ایرج فرزاد که آن دوران را اساس اعطای مدال ذکر میکند مشخص میشود که منظور مبارزه مسلحانه دهه ۶۰ در کردستان است. در ذهن اینان مبارزه در کردستان نسبت به مبارزه کارگران، زندانیان، زنان و... در سایر نقاط ایران واقعی تر ارزیابی میشود. چیزی که اعضای آنها صراحتا بیان میکنند

سابقه در جنبش کارگری، سابقه در جنبش حقوق کودک، زنان، جنبش برابری طلبی و علیه حکم اعدام و سنگسار و غیره سابقه محسوب نمیشود آنچه به نام سابقه در نزد منشعبین عزیز مد نظر است شرکت در جنبش کردستان در گذشته های دور است. ورنه اندازت میکنند که آیا آن سنت را قبول داری و یا چند سال در اردوگاه و چادر زندگی کرده ای، چند بار در درگیری شرکت داشته ای و الی آخر و تازه اگر نقد جدی به آن نداشته باشی، جزو خودیها محسوب میکنند البته با شرط ارادت و احترام مادام العمر به سابقه دارها. اینک با بروز

اختلاف در دفتر سیاسی کورش و همراهانش فعالیت خود را در میان اعضای کمیته کردستان متمرکز کردند حکایت از وجود چنین طرز تفکری میکند. میدانستند که تنها شانس موفقیت، تقویت عرق پیشمرگایه تی و ملی در بین کرد زبانان است. اینکه تعداد بسیار اندکی از اعضای خارج از کردستان همراه منشعبین شدند دلیل گویائی است بر صحت گفته های بالا. از همان اوائل منشعبین از اینکه جامعه تصویر واقعی ای از ماهیت انشعاب را کسب کند واهمه داشتند و تلاش میکردند که با واگذاری برخی از مسئولیتها به اعضای غیر کرد زبان و یا بجلو انداختن آنها در مراسمهای عمومی تصویر واقعی خود را پوشانند. اما جامعه از همان بدو جدائی حقیقت را فهمید و میدید که تعداد افراد ترك زبان و یا از مرکز و شرق و جنوب ایران در بین منشعبین بسیار اندک و یا قابل اغماض است. در حالیکه میدید بخش زیادی از اعضای کردزبان حزب که در دهه ۶۰ در کردستان نیز فعال بودند همچنان طرفدار خط منصور حکمت بوده و شدیداً مواضع کورش و همراهانش را رد میکنند.

اعضای بسیاری از حزب کمونیست کارگری در جنبش کردستان شرکت داشته اند و آنچه برای ما قابل دفاع است تاثیراتی است که گرایش رادیکال و کمونیستی در تشکیلات وقت و جامعه از خود برجای گذاشت. خط کمونیستی در جنبش کردستان

مبارزه پیگیری را بر علیه سنت ها و فرهنگ ناسیونالیستی، دیدگاه نسبت به اسلحه و مبارزه مسلحانه ناسیونالیستی رهبری امام و امتی، دیدگاه نسبت به برابری زن و مرد، برخورد به زندانیان و اسیران جنگی و کم لطفی به مبارزات کارگران و مردم در شهرها و غیره و غیره در پیش گرفته بود توانستیم تاثیرات زیادی بر جای بگذاریم. اما برگشت اخیر منشعبین به آن دوران اشاره به موارد بالا نیست. هیچوقت با هیجانی که در نفرت پراکنی بر علیه ما نشان میدهند، سابقه مبارزه بر علیه رهبری امام و امتی و یا بر علیه اعدام، برابری زن و مرد، مبارزه با فرهنگ جامانه و کوا و پاتول (که جز هویت کیش پیش مرگایه تی است) و... بیان نمیکند و اساسا مد نظر نیست.

برجسته شدن سابقه و تقدیس آن در هر نوع جنبشی دقیقا دفاع و تقدیس آن جنبش است و به هویت افراد تبدیل میشود و با کوچکترین نقدی بر روشها، آداب و سنن جاری در آن نوع مبارزه عکس العمل نشان میدهد زیرا که هویت خود را مورد تهدید میبیند. اگر آن سابقه و آن هویت با لباسش، با نوع رقص اش مورد نقد قرار گیرد، منطق را از دست میدهند، آسمان ریسمان بهم میبافند. مقولات دور ریخته شده "ملت بالا دست" و "پائین دست"، "ظالم" و "مظلوم" و "شوینیسیم فارس" را در زباله دانی خانه پیدا میکنند، عزیزش میدارند و در مقالاتشان دوباره بکار میگیرند. عاقبتشان بخیر!

نشان کشیدن بر علیه زنان و اکثریت مردم کردستان، این مردم را از مبارزه و اعتراض بر علیه کلیت رژیم بر حذر داشت. دیگر کشت و کشتار، تهدید و ارباب، حکومت نظامی، زندان و اعدام کارایی ندارد. زنان کردستان همراه با زنان سایر نقاط ایران، مدتهاست که جوابشان را به رژیم و شخص امام جمعه داده اند. آنها اسلام و جمهوری اسلامی و حجاب اسلامی نمی خواهند. هر چیزی که بویی از اسلام، قوانین، سنن و افکار و عقاید اسلامی داشته باشد، از نظر اکثریت مردم کردستان و بویژه زنان، ضد زن و ضد جنبش برابری طلبی زنان بوده و مطرود و محکوم است.

دانشگاهها و در يك كلام در كل جامعه دیگر كاملا طبیعی شده است. مبارزات زنان و دختران بر علیه تبعیضات و ستم كشی زنان در همه اشكالش دیگر در قالب جنبش اجتماعی زنان به میدان آمده است. دیگر نمی شود این اعتراض به بی حقوقی محض و این همه ستم و سرکوب بر علیه زنان که حول و حوش آن جنبش زنان شکل گرفته، از جمله نه گفتن به حجاب اسلامی و عدم رعایت این سنبل تحقیر و بی حقوقی توسط زنان که تنها گوشه ای از جنبش عظیم نه گفتن به جمهوری اسلامی است را، سرکوب و مردم را روانه خانه شان کرد. دیگر نمی شود با تهدید و عریده کشی، با خط و

خود وی و رژیمش نه رعایت حجاب اسلامی، بلکه اساسا بی پایه بودن رژیم در کردستان و وجود تنفر عمومی که مردم از این رژیم و عناصر و عوامش دارند، می باشد. وجود يك جنبش عظیم نه گفتن به جمهوری اسلامی و کلیت رژیم، اعتراض و مبارزه عمومی که به اشكال گوناگون در کردستان ادامه داشته و دارد، امروز بروزات علنی و خودش را نشان داده و در قامت جنبش های مختلف اجتماعی و بشدت رادیکال به میدان آمده است. حجاب سوزان در هشت مارس در سندنج دیگر به يك سنت تبدیل شده است، نه گفتن به قوانین و مقررات ارتجاعی در مدارس، محیط کار و

پایه و بی معناست. در يك كلام بیش از دو دهه سرکوب نظامی و سیاسی، به اجرا گذاشتن ارتجاعی ترین و عقب مانده ترین قوانین و مقررات برای اسلامیزه کردن جامعه کردستان با شکست کامل مواجه شده است. جناب امام جمعه قطعا به خاطر داشته و دارد که مقاومت و مبارزه زنان و دختران و مردم مبارز کردستان برای به عقب راندن سیاستهای ارتجاعی رژیم از جمله حجاب اسلامی، خود تبدیل به يك جنبش عظیم اجتماعی شده است که موجودیتش را امروز علنا و آشکارا به خیابانها کشانده است. رژیم جمهوری اسلامی و شخص امام جمعه به خوبی می داند که مشکل

بدحجابی و بی حجاب ...

مبارزه مردم در عمل با شکست منجر شده است. مقاومت و مبارزه زنان و دختران در کردستان برای عقب راندن تعرضات جماعت چاقو کش و اسیدپاش حزب الله و خواهران زینب برای تحمیل حجاب و پوشش اسلامی بر زنان نه تنها به نتیجه نرسیده است، بلکه به عکس خودش تبدیل شده است. صحبت کردن از رعایت حجاب اسلامی و شئون اسلامی در جامعه شهری کردستان و تلاش برای تحمیل جهل و خرافه مذهبی از جمله حجاب و پوشش بر گرده مردم، به اندازه موجودیت خود رژیم در کردستان بی



شبه صلواتی

سقوط و غرق شدن در نفرت یک انتخاب است

هیچ وقت برایم باورکردنی نبود که ایرج فرزاد به این سرعت عوض شود و با قوم پرستان بیگانه ستیز در یک کمپین دست راستی علیه حزب کمونیست کارگری و حمید تقوایی تا این حد نفرت و نفرین راه بیاندازد. آیا به همین سادگی انسانها عوض می شوند و به همین سادگی حرمت رفاقت بی اعتبار می گردد. در جریان اختلافات

سیاسی حزب کمونیست کارگری، ایرج فرزاد به طور یک جانبه طرف تزه های راست کوروش مدرسی را گرفت و با منشعبین همراه شد و رفت. وقتی که مقاله ایشان را مطالعه کردم شدت ناراحت شدم و دیدم که ایرج با گذشته بسیار تفاوت دارد و این مقاله را از سر زبونی و در اوج ورشکستگی سیاسی نوشته است. شخصا برای ایرج فرزاد تاسف خوردم چون با ایشان تماس داشتم و او را آنقدر ناتوان و به این شدت ضعیف و واپسگرا نمی دیدم. رفیق سابق ما ایرج

امریکا به نان و نانوائی رسیده اند. پس تغییر ریل و تبدیل شدن به گرایش کاملاً دست راستی نباید آنقدر مشکل باشد و قطعاً انسانها مجبور نیستند تا ابد کمونیست باشند و به همین دلیل راه جدید برای این آقایان چندان مشکل نیست. گر چه در گذشته هم وقتی که با ما بودند خود را در مقایسه و رقابت با احزاب ناسیونالیستی کرد باز تعریف می کردند.

مذاکرات کارگران نساجی کردستان با موفقیت کامل کارگران به پایان رسید حزب کمونیست کارگری این پیروزی را به کارگران نساجی و همه کارگران مردم آزادیخواه تبریک میگوید

همانطور که قبلاً به اطلاع رساندیم روز ۱۷ دی ماه از ساعت ۴ بعد از ظهر به دعوت اداره کار سندج مذاکره نمایندگان کارگران نساجی کردستان در اداره کار شروع شد. کارگران نهایتاً تصمیم گرفتند پیشنهاد اداره کار که خواسته بود از هر شیفت چهار نفر بعلاوه شش نفر نماینده در مذاکره شرکت کنند، رد کنند و فقط شش نماینده را برای مذاکره به اداره کار بفرستند. بدین ترتیب مذاکره نمایندگان کارگران با حسامی رئیس سازمان صنایع، صادقی زاده رئیس اداره کار، ضامنی نماینده حراست، نجفی

مدیر عامل، افشاری از مدیریت کارخانه، محمدی مسئول روابط عمومی اداره کار، ایرج بهرام نژاد از خانه کارگر و فردی از وزارت اطلاعات که به جلسه معرفی نشد، شروع شد و پس از ۵ ساعت با گردن گذاشتن جبهه مقابل به خواسته های کارگران مذاکره در ساعت ۹ شب به پایان رسید.

مدیریت و اداره کار کتبا تعهد کردند که: ۱- اخراجها فوراً متوقف می شود. تنها در صورت موافقت کمیسیون کار استان مستهلک از نمایندگان مدیریت، استانداری، اداره کار، هیئت تشخیص و نمایندگان کارگران امکان اخراج وجود دارد. ۲- قراردادهای موقت سه ماهه به شش ماهه تغییر کرد. این مساله شامل ۱۹۷ نفر از کارگران قراردادی و پیمانکار می شود. بدین ترتیب قرارداد شش ماهه از اول سال ۱۳۸۴ به مورد اجرا گذاشته می شود. ۳- در مورد شش نفر کارگر اخراجی، با استخدام آنها موافقت نشد اما قرار شد بجای اخراج شامل طرح تعدیل شوند و به ازای هرسال سابقه کار سه ماه حقوق باضافه

مزایا به آنها پرداخت شود. ۴- ایمنی و بهداشت محیط کار مورد رسیدگی قرار میگیرد. اداره کار نظارت بر این مساله را بعهده گرفته است. ۵- خواست سلف سرویس و یک وعده غذا مورد توافق قرار نگرفت اما کارفرما متعهد شد که بجای ماهی ۱۵۰۰ تومان ماهی ۳۰۰۰ تومان به کارگران پرداخت کند. و هرروزه شیر و کیک در اختیار کارگران قرار دهد. قبلاً هفته ای دو لیوان شیر به کارگران داده می شد. ۶- آئین نامه انضباطی موجود قرار شد تغییر کند. آئین نامه جدید زیر نظارت اداره کار، مدیریت و نمایندگان کارگران و بر اساس تنظیم می شود. ۷- حقوقها فوراً پرداخت می شود. حقوق روزه های ۱۶ روز اعتصاب اخیر را مدیر کل اداره کار تعهد کرد به کارگران پرداخت شود. جزء توافقات کتبی قرار نگرفت. ۸- کمیته ای برای طرح طبقه بندی مشاغل تشکیل می شود و ما به التفاوت سالهای گذشته نیز به کارگران پرداخت خواهد شد. این توافق نامه به امضای شش نفر نماینده کارگران آقایان شیث

امانی، هادی زارعی، اقبال مرادی، حسن شریعی، فرشید بهشتی زاد و احمد فاتحی و از طرف مقابل نماینده مدیریت، نماینده استانداری، اداره کار، هیئت تشخیص، مدیر کل صنایع، مدیر کل اداره کار، و نماینده وزارت اطلاعات رسید.

قابل توجه است که حدود ۱۲۰ نفر از کارگران نساجی از جمله دهها نفر از کارگران قدیمی این شرکت که در طول سالهای قبل اخراج شده اند همزمان با مذاکره نمایندگان خود در مقابل اداره کار حضور داشتند و این پشتوانه ای برای این مذاکرات بود. بدنبال مذاکره، نمایندگان کارگران به کارخانه رفتند و گزارش مذاکره را به دو شیفت کارگران ارائه دادند و کارگران دستگاهها را با احساس شادی ناشی از پیروزی روشن کردند و به اعتصاب خود پایان دادند.

و بدین ترتیب اعتصاب ۱۶ روزه کارگران نساجی سندج به موفقیت بزرگی برای کارگران منجر شد. ۱۶ روز اعتصاب، ۱۶ روز پافشاری و استقامت کارگران، ۱۶ روز تسلیم نشدن به تهدیدهای ارگانهای

مختلف حکومت اسلامی، ۱۶ روز همبستگی و حمایت فزاینده سایر بخشهای طبقه کارگر و مردم مبارز سندج و سایر شهرهایی که با ارسال تومار و به اشکال مختلف این اعتصاب را مورد پشتیبانی قرار دادند و همینطور حمایت سازمانهای کارگری که از دیروز حمایت های خود را شروع کردند، گوشه ای از این مبارزه شکوهمند بود. اعتصاب کارگران نساجی کردستان گوشه بسیار کوچکی از نیروی عظیم طبقه کارگر است که جمهوری اسلامی و ادارات مختلف آنرا به زانو درآورد و نشان داد که طبقه کارگر ستون اصلی انقلاب ایران برای آزادی و رهائی از این نظام غیرانسانی است. زنده باد کارگران نساجی کردستان در سندج زنده باد اتحاد و همبستگی طبقاتی کارگران زنده باد سوسیالیسم حزب کمونیست کارگری ایران ۱۷ دیماه ۱۳۸۳، ۶ ژانویه ۲۰۰۵

پیام محمد آسنگران به کارگران نساجی در سندج موفقیت شما، در جنبش کارگری ایران یک گام بلند به پیش است. رفقای کارگر!

پس از ۱۶ روز مبارزه متحدانه و سرسختانه، پس از ۱۶ روز دلهره و اضطراب، مقاومت و اتحاد، سرمایه داران و حامیان آنها عقب نشستند. این پیروزی را به همه شما عزیزان، به خانواده های شما و به مردم

سندج و همه مردم در ایران تبریک میگویم. این یک اعتصاب مهم و تعیین کننده بود و پیروزی در آن، اعتماد به نفس را در بین کارگران بالا میبرد و زمینه را برای پیشرویهای بعدی و اعمال فشار به حکومت ضد کارگری اسلامی فراهم تر میکند.

شما در این اعتصاب نشان دادید که مجمع عمومی کارگران، مهم است، که اتکا به نیروی دسته جمعی تعیین کننده است، که استقامت و پایداری در عقب راندن سرمایه داران و دولت حامی

آنها مهم است و مهمتر از همه هیچ راه دیگری جز مقاومت و اعتراض باقی نمانده است و حکومت اسلامی و کارفرمایان در موقعیت شکننده ای قرار دارند که باید از آن برای تعرضات بیشتر و عقب راندن هر چه بیشتر آنها استفاده کرد.

در جریان این اعتصاب، ما کوشیدیم که در کنار شما و در لحظه به لحظه فعالیتها و مشکلات و اقدامات با شما باشیم. ما صدای این اعتراض را به گوش کارگران جهان رساندیم، ما از اتحادیه های بزرگی جلب

حمایت و پشتیبانی کردیم و با استفاده از امکانات ارتباطی همچون رادیو و تلویزیون کوشیدیم خبر این اعتصاب را به گوش میلیونها نفر برسانیم. برنامه تلویزیونی مستقیم ما در کانال جدید کمک کرد که سمپاتی بسیاری به این حرکت و فعالین آن جلب شود.

از همه این تجارب استفاده خواهیم کرد و کاری خواهیم کرد که حکومت اسلامی سرمایه را به عقب نشینی های جدیتری وادار کنیم. کارگران به میدان آمده اند و با این پیروزی، زمینه را برای

تعرضات بیشتر فراهم کرده اند. یکبار دیگر به همه شما عزیزان این پیروزی مهم را تبریک میگویم. دست همه شما را به گرمی می فشارم.

محمد آسنگران دبیر کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران ۶ ژانویه ۲۰۰۵
تلفن تماس: ۰۰۷ ۳۵۸۰۰۷
۰۰۴۹ ۱۶۳
ایمیل: minaahadi@aol.com

ادامه حرمت "لهجه" و "هلپرکی"

حضرات یعنی پارسی البته به لهجه پارسی) حرف بزند.

من بعنوان يك كرد ميخواهم از جوهر بحث حميد تقوایی که نقل کرده اید دفاع کنم و ميخواهم روشن کنم که هیستریتان، حساسیتان و استفاده فراوانتان از انبان تبلیغاتی امثال مهتدی ها اتفاقی نیست. ميخواهم نشان دهم که زیر این خط کشیدنیهای اختیاری، زیر شبکلاه چرك شعبده گردانیستان این ناسیونالیسم کرد است که نفس میکشد، که خونتان را بجوش می آورد، هیستریک و دیوانه وار به حمله وادارتان میکند. گیرم با این تفاوت که دارو دسته مهتدی ها ناسیونالیست عشیره ای هستند و شما ناسیونالیست چپ درهم پاشیده سابق. نوستالژی و گذشته گرایی ارتجاعی شما ریشه در همین فرهنگ دارد، فرهنگ "دایه دایه وقتی جنگ است" و ساز پر سوزوگداز "عاشیققلر". عاشق هلپرکی کردی و ترانه های مستهجن و ضد زن آن هستید. خیر آقایان داشتن لهجه در هیچ زبانی جرم نیست اما ساختن identity

هویت و فرهنگ و افتخار از آن، مستهجن و ناسیونالیستی است. چیزی که شما هنوز به آن عشق میورزید و منقدین آن (و فقط منتقد بخش کردی آن هستید) را دست در دست مهتدی ها فاشیست جار میزنید.

در کردستان دوران قیام و قبل از آن بویژه در سنجندج این فرهنگ مورد تمسخر بود، نه بخاطر روستایی بودن آن، بخاطر عقب مانده بودن آن. حمید تقوایی در این عباراتش فراموش کرده بنویسد که در آن زمان و پیش از فرمان جهاد ۲۸ مرداد خمینی در کردستان ناسیونالیسم کرد دست بالا را نداشت، نه فرهنگش، نه سنتش، نه هلپرکیش و نه هویت ساختن از لهجه اش. ارزشهای عقب مانده، دست بالا که سهل است، مورد مضحکه بود. مضحک اینکه خود ایرج فرزند یکی از شخصیت هایی بود که بشدت این فرهنگ را هجو میکرد نه حتی با فرهنگ امثال هادی خرسندی، با فرهنگ لمپنی. اما امروز با شنیدن اینکه این فرهنگ مربوط به دوران سپری شده معرفی میشود، خون در عروقش خشک میشود، شناسنامه طرف را نگاه میکند و چون يك فارس کشف میکند، غش میکند.

راستی چرا در نزد منشعبین و بویژه آن بخش از آنها که در کمیته کردستان حزب جمع شده بودند ارزشهای حقانیت سیاسی و حتی احترام اجتماعی عبارتند از اینکه آیا پیشمرگ بوده اید یا نه؟ آیا در جنگ با حزب دمکرات شرکت کرده اید یا نه؟ از رقص و گرانی و هلپرکی خوشتان می آید یا نه؟ و اگر فاقد این سجایا هستید آیا به این ارزشها احترام میگذارید و در مقابل آن سر فرود می آورید یا نه؟

دوستان عزیز من کرد هستم، نه به کرد بودنم افتخار میکنم و نه از آن شرم دارم. ۱۲ سال پیشمرگ کومه له بوده ام، صد بار با مرگ مواجه شده ام، عزیزان زیادی را در این راه از دست داده ام، سختی ها و مرارت های غیر قابل تصویری را تحمل کرده ام، چه از جمهوری اسلامی و چه از دست سنت ناسیونالیستی و عقب مانده در کومه له. من میدانم که عزیزان زیادی زیر بار فشار همین سنتها خود کشی کردند، من میدانم که سنت زن ستیزی در سنت ناسیونالیسم کرد در همان اردوگاه های کومه له چه کرد، میدانم که سنت غریبه ستیزی در این گرایش تا

چه حد قوی بود. اما با تماما عدم پیشمانیمان از گذشته پر افتخار مبارزه مشترکمان قرار بود همه اینها را به نقد کشیده باشیم، شما مدت زمانی نه چندان طولانی مدافع مباحث و نقد منصور حکمت به این سنت بودید. چرا امروز دنباله رو هیستریک مهتدی شده اید؟

اما این نوع تعرض فقط علیه حمید تقوایی و حزب کمونیست کارگری ایران نیست. این تعرض به همان جوانانی است که برای برپایی جهان انسانیشان رو به آینده و مدرنیته دارند و پیشرفته ترین فرهنگها را میبلعند و با آن زندگی میکنند. همین جا از جوانان این نسل در سنجندج و مهاباد و اورامان و بوکان و سنقر، در تبریز و اهواز و البته "تهرون" میخواهم که زیر بار این نوع تعرضات خم به ابرو نیاورند. ما هم جبهه و هم مبارزه ایم. به هیچ کس اجازه ندهیم جز انسانیت، پیشرفت و ترقی خواهی، برابری و آزادیخواهی هویت دیگری برایمان بسازند.

اما نکته مضحک دیگر در نوشته ایرج فرزند این است که ما اعضا و کادریهای حزب را فرامیخواند که لیدرتان را عوض

کنید. جناب فرزند وقتی از شما خواستیم که به کنگره تشریف بیاورید و لیبر عوض کنید و لیبر شوید، بما گفتید این پوپولیستی است. راستش تمام تلاشتان را کردید اما وقتی فهمیدید که چنین توانی را ندارید گفتید در کنگره میخوانند کلاه بوقی سرتان بگذارند. گفتیم این حقیقت ندارد، بشما قول خواهیم داد با تمام توان از حرمت کرامت و ارزشتان دفاع خواهیم کرد. از ترس بی اعتباری از حزب و کنگره آن فراری شدید. اما دوست عزیز باور نمی کنید کمی این ژستها و بقول دوستان آقای سعید کرامت این شکر خوری ها اصلا برازنده جایگاه و موقعیتتان نیست؟

علاقه دارم در انتها شما را برای هزارمین بار در کنار تک تک اعضا، کادرها و رهبری حزب کمونیست کارگری ایران به بحث سیاسی حول نظراتتان دعوت کنم. سودی از این شعبده بازی ها نخواهید برد، تنها نیرویی که از این حرکات و جست و خیزهای شما بهره مند میشود ناسیونالیسم کرد است. این اتهام نیست به تشابه نظرات سایت بروسکه و نظرات خودتان در این زمینه توجه بفرمائید.

*** **

حمایت سازمانهای کارگری از کارگران نساجی

برای مبارزه جانانه دوستانمان در نساجی سنجندج.

چون آقای آیت الهی مدیر عامل شرکت ما همیشه با ۲ ماه تاخیر حقوق پرداخت میکنند، ولی ۵۰ میلیون ماشین آخرین سیستم را میخرد و میگوید پول نداریم و ۵۰۰ میلیون فقط يك سوله كوچك میفروشد و هزاران کار اینگونه ...

اداره کار رژیم جمهوری اسلامی هم رشوه خور هستند. تا یکی از ما شکایت کنیم فردا اخراج خواهیم شد. آیت الهی مرتجع که چند بار خبر مرگش به حج رفته با دار و دسته جمهوری اسلامی سرشان در يك آخور است و به قول آقای... سرمایه داران حرف خوش سرشان نمی شود. باید علیه آنها مبارزه کرد و با زور حقوق خود را بگیریم.

به هر حال خواستیم هم با شماها درد دلی کرده باشیم هم بدینوسیله پشتیبانی خود را از کارگران نساجی

در شماره قبل نشریه ایسکرا حمایت و پشتیبانی اتحادیه کارکنان بیمارستانهای بریتیش کلمبیا و همچنین اتحادیه کارگران ساختمانی فنلاند را درج کردیم در این شماره حمایت دهها اتحادیه دیگر را به اطلاع میرسانیم .

حمایت کارگران صندلی سازی تهران از کارگران سنجندج

روز ۱۶ دی ماه ۸۳ وقتی نماینده حزب کمونیست کارگری در میان ما کارگران صندلی سازی واقع در جاده قدیم کرج خیابان داروپخش وابسته به شرکت ایر صنعتی فروین حاضر و خبر اعتصاب ۲ هفته ای کارگران نساجی سنجندج را اعلام کرد، ما هم متأسف شدیم و هم خوشحال. متأسف، برای عدم اطلاع از همکاران در سنجندج، و خوشحال،

را به محاصره درآورد. علیرغم این تعرض به حقوق کارگران برای برپائی نجمع، اعتصاب و قرارداد دسته جمعی، مذاکرات انجام شد و به توافقاتی رسید. اما همینکه

بدنبال تماس داوود آرام کادر حزب کمونیست کارگری ایران با اتحادیه پست کانادا، رئیس این اتحادیه، خانم دوبرا بورك، طی نامه ای به خاتمی نوشت:

"از طرف ۵۰ هزار عضو اتحادیه کارگران پست کانادا، حمایت بی قید و شرط خود را از کارگران نساجی در سنجندج، که مجبور به اعتصاب برای بار سوم در ماههای قبل شده اند، و خشم خود را نسبت به اعمال حکومت شما در تلاش برای شکستن این اعتصاب اعلام میدارم .

زمانیکه کارگران نساجی در روز ۱۰ آبانماه دست به تحصن زدند که اعتراضشان را به نقش مدیریت برای اخراج کارگران بیان کنند، حکومت شما با نیروهای امنیتی اش کارگران

سنجدج اعلام میداریم و بر این مبارزین درود میفرستیم. و درك میكنیم سرمایه داران به كمك سران جمهوری اسلامی چگونه فشار همه جانبه ای بر کارگران آورده اند و بالاخره روزی هم نوبت ما خواهد رسید که از حاج آقا آیت الهی حقوق خود را بگیریم و حلقوم اژدها ماندنش را فشار خواهیم داد.

در پایان مجدداً به همکاران در نساجی سنجندج درود میفرستیم و هشدار میدهم که از حقوقتان کوتاه نیاید و حتی المقدور در جلوی خونخواران ایستادگی کنید. درود بر مبارزین، درود بر حزب کمونیست کارگری ایران که اخبار و اطلاعات جامعه کارگری را در سراسر ایران پخش میکند.

اتحادیه کارگران پست کانادا در نامه به خاتمی :

بدانید که کارگران سراسر جهان

۵۱ اتحادیه کارگری آمریکا و کارگران نفت نوروز از اعتصاب کارگران پشیمان کردند

در پاسخ به فراخوان حزب کمونیست کارگری ایران برای حمایت از اعتصاب کارگران نساجی کردستان، ۵۱ اتحادیه کارگری آمریکا از خواسته‌های کارگران نساجی اعلام پشتیبانی کردند. در نامه‌ای که به امضای این اتحادیه‌ها رسیده از جمله آمده است: "ما از تمامی خواسته‌های کارگران نساجی در شهر سنندج در کردستان پشتیبانی میکنیم و عزم و اتحاد آنها برای مقابله با کارفرما و حکومت دیکتاتوری اسلامی را میسنجیم. حق اعتصاب و تشکل و حق قرار داد جمعی از حقوق اولیه و پایه‌ای کارگران است و مطمئناً که با مبارزه متحد کارگران میتوان این حقوق را در ایران نیز به کرسی نشاند. ما از اینجا دست همه دوستانمان در نساجی کردستان را میفشاریم و برای آنها آرزوی پیروزی میکنیم. ما به کارگران نساجی در سنندج اعلام میکنیم که شما در این مبارزه تنها نیستید، همه ما در کنار شما هستیم." اسامی اتحادیه‌هایی که این نامه را امضا کرده اند از این قرار است:

- ۸- اتحادیه بین المللی کارکنان خدمات (لوکال ۱۸۷۷)
- ۹- اتحادیه کارگران فولاد آمریکا (لوکال ۳۳۸)
- ۱۰- اتحادیه بین المللی کارگران خدمات (لوکال ۳۴۷)
- ۱۱- کنگره سازمانهای صنعتی و فدراسیون کار آمریکا (لس آنجلس)
- ۱۲- حزب کار (شاخه لس آنجلس)
- ۱۳- فدراسیون معلمین آمریکا (لوکال ۱۰۲۱)
- ۱۴- اتحادیه بین المللی کارکنان خدمات (لوکال ۳۴۷)
- ۱۵- اتحادیه کارکنان شهرداری (لوکال ۸۰۰)
- ۱۶- اتحادیه کارکنان سینما و تئاتر (لوکال ۷۲۸)
- ۱۷- اتحادیه کارگران ماشین سازی (لوکال ۱۴۸۴)
- ۱۸- اتحادیه کارگران ماشین سازی (لوکال ۹۴)
- ۱۹- اتحادیه کارگران مواد غذایی (لوکال ۷۷۰)
- ۲۰- اتحادیه معلمان لس آنجلس
- ۲۱- اتحادیه کارگران فولاد آمریکا (لوکال ۲۱۰۲)
- ۲۲- اتحادیه کارگران مخابرات (لوکال ۹۵۰۳)
- ۲۳- اتحادیه کارگران حمل و نقل (لوکال ۱۳۱۵)
- ۲۴- اتحادیه کارگران فولاد آمریکا (لوکال ۳۳۸)
- ۲۵- اتحادیه کارگران مخابرات (لوکال ۹۰۰۰)
- ۲۶- اتحادیه کارگران مخابرات (لوکال ۹۴۰۰)
- ۲۷- اتحادیه زحمتکشان (لوکال ۳۰۰)
- ۲۸- اتحادیه کارگران متال (لوکال ۱۰۸)
- ۲۹- اتحادیه کارگران مخابرات (لوکال ۹۵۰۵)
- ۳۰- اتحادیه کارکنان نساجی (لوکال ۲۲۹۷)
- ۳۱- اتحادیه کارگران نقاشی (لوکال ۹۵)

در يك نامه سرگشاده از کارگران نساجی کردستان حمایت کرده است. کارگران شاهو در سنندج آهنگی به کارگران نساجی کردستان تقدیم کردند به نشانه همبستگی طبقاتی و حمایت از اعتصاب کارگران نساجی کردستان در سنندج، جمعی از کارگران شاهو این شهر آهنگ زیبای "زندگی زندگی است" را به کارگران اعتصابی تقدیم کردند. این آهنگ همزمان با برنامه زنده تلویزیون انترناسیونال که بطور ویژه در حمایت از کارگران نساجی اجرا میشود، برای تلویزیون انترناسیونال ارسال شده بود که متأسفانه بموقع بدست ما نرسید و امکان پخش آن فراهم نشد.

کنفدراسیون اتحادیه های آزاد بین المللی از کارگران نساجی کردستان اعلام پشتیبانی کرد
کنفدراسیون اتحادیه های آزاد بین المللی (ICFTU) در نامه ای به "کمیته حمایت از اعتصاب کارگران نساجی" حمایت و همبستگی این کنفدراسیون را که قریب ۱۷۸ میلیون در سراسر جهان عضو دارد از خواسته‌های کارگران نساجی کردستان اعلام کرد. متن این نامه چنین است:

"۷-۱-۲۰۰۵
کمیته عزیز حمایت از کارگران اعتصابی در سنندج
اعتصاب در کارخانه نساجی کردستان
ICFTU مایل است
همبستگی خود را با کارگران اعتصابی در کارخانه نساجی کردستان ابراز کند. ما میدانیم که اعتصاب در ۲۲ دسامبر شروع شد و کارگران طی یکی دو ماه گذشته چند بار در کارخانه دست به اعتصاب زده اند. اعتصاب فعلی در اعتراض به اخراج تعدادی از کارگران با سابقه و جانشین کردن آنها با کارگران موقت و خارج از پوشش قانونی است. بعلاوه به کارگران اخراج شده مبلغ ناچیزی بعنوان مبلغ بازخرید پیشنهاد شده است. و بعلاوه

۳۲- فدراسیون معلمان کالیفرنیا (لوکال ۱۰۲۱)
۳۳- اتحادیه بین المللی کارکنان خدمات (لوکال ۵۳۵)
۳۴- اتحادیه کارگران نجار (لوکال ۴۰۹)
۳۵- اتحادیه بین المللی کارکنان خدمات (لوکال ۱۰۰۰)
۳۶- اتحادیه کارگران مواد غذایی (۹۹۵)
۳۷- اتحادیه کارگران شستشو (لوکال ۵۲)
۳۸- اتحادیه کارگران مخابرات (لوکال ۹۱۱۹)
۳۹- اتحادیه کارگران ماشین سازی (لوکال ۷۷۷)
۴۰- اتحادیه کارگران ماشین سازی (لوکال ۱۱۸۶)
۴۱- اتحادیه کارگران مخابرات (لوکال ۳۹۰۹۶)
۴۲- اتحادیه کارکنان سینما و تئاتر (لوکال ۸۰)
۴۳- فدراسیون معلمین آمریکا (لوکال ۱۵۴)
۴۴- اتحادیه مهندسیین و کارکنان صنعتی (لوکال ۵۳۷)
۴۵- اتحادیه کارکنان هتل و رستوران (لوکال ۸۱۴)
۴۶- اتحادیه کارکنان ساختمانی (لوکال ۱۷۱۰)
۴۷- اتحادیه کارگران ماشین سازی (لوکال ۱۴۸۴)
۴۸- اتحادیه کارگران نجار (لوکال ۱۵۰۶)
۴۹- اتحادیه کارگران بارانداز (لوکال ۱۳۲)
۵۰- اتحادیه کارکنان سینما و تئاتر (لوکال ۶۸۳)
۵۱- اتحادیه کارگران بارانداز (لوکال ۲۴۶)
همچنین اتحادیه کارگران نفت نوروز نیز طی نامه‌ای به خاتمی که کمی آن به حزب کمونیست کارگری ایران ارسال شده، به اعمال سیاستهای ضد کارگری حکومت اسلامی اعتراض کرده و حمایت خود را از کارگران نساجی کردستان اعلام کرده است. سازمان جوانان سوسیالیست آلمان شاخه برمن نیز

سال گذشته ۱۷۵ تن از کارگران اخراج شده اند. "کنفدراسیون اتحادیه های آزاد بین المللی" خواست کارگران برای استخدام قانونی و رسمی را مورد حمایت قرار میدهد، استفاده از قراردادهای موقت را که با هدف محروم کردن کارگران از شرایط کار مناسب میباشد تقبیح میکند. "آی سی اف تی یوب قبلاً به حکومت موقت از شمول قانون کار اعتراض کرده است

ما همچنین به حکومت در مورد کارگران نساجی کردستان در رابطه با اعتصاب قبلی که سوم نوامبر پایان یافت اعتراض کردیم. در آن زمان نیروهای انتظامی کارخانه را محاصره کرده و بی دلیل فضای متشنجی را ایجاد کرده بودند. با توجه به اینها ما در شرایط کنونی نگرانی از بکارگرفتن مجدد نیروهای انتظامی را درک میکنیم. ما در نامه اعتراضی مان در رابطه با کارگران نساجی کردستان به حکومت نوشتیم که برای جلوگیری از کشاکش های اجتماعی دولت و کارفرمایان باید به مشکلات کارگران پاسخ دهند.

CFTU وضعیت را از نزدیک دنبال میکند و ممنون میشویم اگر در صورت حاد شدن وضعیت و بکار گرفتن خشونت علیه کارگران اعتصابی، ما را مطلع کنید.
دیپلر کل آی سی اف تی یو گای رایدر

یاد آوری کنیم که اعتصاب کارگران اعتصاب نساجی سنندج روز ۶ ژانویه یعنی يك روز قبل از رسیدن این نامه با موفقیت به پایان رسید. علاوه بر کنفدراسیون اتحادیه های آزادی شمار دیگری از تشکلهای اتحادیه ها در سطح جهان از کارگران نساجی در سنندج حمایت کردند. آی سی اف تی یو بعلاوه طی نامه ای به خاتمی به فشار و تهدید کارگران نساجی و بی حقوقی کارگران در ایران اعتراض کرده است.

در گروه

By language/Nationality/Other

آدرس اتاق :

Ba Hamid Taqvaei - Iran

گفتگو با حمید تقوایی در پالتاک

هر پنجشنبه ساعت ۹ بعد از ظهر بوقت اروپای مرکزی

۳۰ دقیقه بوقت ایران